

# داستان‌های خوب برای کودکان بلندپرواز

قصه‌های واقعی دختران و پسرانی که با ایستادگی به اوج رسیدند



بن بروکس

ترجمه

امید سهرابی نیک، آرزو گودرزی

فرهنگ نشرونو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۸



## فهرست

۴۲	اورسلا کی له گویین	۱۰	آدام ریپون
۴۴	اوشن وونگ	۱۲	آدلین تیفانی سوآنا
۴۶	ایرنا سندلر	۱۴	آنا آخمتووا
۴۸	ایندیرا راناماگار	۱۶	آنا نزینگا مبانده
۵۰	ایوان گولگانگ کالی	۱۸	آناندی گوپال جوشی
۵۲	بیدی میسون	۲۰	آندریا بوچلی
۵۴	پاپ فرانسیس	۲۲	آندریا دانبار
۵۶	پیتر جکسون	۲۴	أرویل رایت و ویلبر رایت
۵۸	تسالی	۲۶	استانیسلاو پتروف
۶۰	تو یویو	۲۸	اسرینیواسا رامنوجان
۶۲	جان براد برن	۳۰	الن کرافت و ویلیام کرافت
۶۴	جان بویهگا	۳۲	الن مک آرتور
۶۶	جسیکا کاکس	۳۴	الیزابت مجارستان
۶۸	جک جانسون	۳۶	اما گونزالس
۷۰	جیمی چادویک	۳۸	آندرو کارنگی
۷۲	خوانا انیس د لا کروز	۴۰	اندی وارھول





۱۷۰	ورنر هرتزوگ	۱۳۸	گرتا گرویک
۱۷۲	ووپی گلدبرگ	۱۴۰	گرترود استاین
۱۷۴	ویتولد پیلکی	۱۴۲	گروه ادلواپس
۱۷۶	ویدال ساسون	۱۴۴	لتیسیا بوفونی
۱۷۸	ویلیام بوکلند	۱۴۶	لجین الهذلول
۱۸۰	هانا هرست	۱۴۸	لوک آمبلر
۱۸۲	هانس کریستین اندرسن	۱۵۰	لیدا کانلی
۱۸۴	هرمتو پاسکوال	۱۵۲	لیزه ماینر
۱۸۶	هوآ مولان	۱۵۴	مارگارت اشتایف
۱۸۸	یوجین هاتس	۱۵۶	ماریا اسپلترینی
۱۹۰	یوان لانگ پینگ	۱۵۸	ماریا لورنا باروس
		۱۶۰	محمد طاهر
		۱۶۲	معلم مهدکودک سن نیکولای
		۱۶۴	مگان هاین
		۱۶۶	ناوتو ماتسومارا
		۱۶۸	ورا روبین



۱۰۶	سوفی پاسکو	۷۴	دکتر سوس
۱۰۸	سوکراتس	۷۶	دنگ آدوت
۱۱۰	سیمون بولیوار	۷۸	دوبری دوبریف
۱۱۲	شاهرخ خان	۸۰	دوروتی دیتریش
۱۱۴	کارزار بی‌گناهی	۸۲	رابرت اسمیت
۱۱۶	کارل بکویت و آنجلا فیشر	۸۴	رایان وایت
۱۱۸	کریس پردی	۸۶	رزی اسوال پاپ
۱۲۰	کریس کالفر	۸۸	رودا روسی
۱۲۲	کریستوفر رایین	۹۰	زولما براندونی د گاسپارینی
۱۲۴	کریستین دپیزان	۹۲	ژان دارک
۱۲۶	کز والدز	۹۴	ژولیت گوردون لو
۱۲۸	کلوین دو	۹۶	سارو برابری
۱۳۰	کنستانتین برانکوزی	۹۸	سالی رایید
۱۳۲	کنجواک آشواک	۱۰۰	ساوانا کارمیو
۱۳۴	کیتی ساندونیا	۱۰۲	ساویون گلاور
۱۳۶	کیم سو نیونگ	۱۰۴	سوفی بلانچارد



## آدام ریپون

Adam Rippon

(متولد ۱۹۸۹)

آدام در ابتدا نمی‌خواست روی یخ پا بگذارد. اما سرانجام با تشویق‌های فراوان مادرش کفش‌های اسکیتش را پوشید. وقتی برای اولین بار اسکیت کرد، فهمید که این ورزش را دوست دارد. بنابراین مادرش هر هفته ساعت‌ها رانندگی می‌کرد تا او را به کلاس‌های اسکیت ببرد. آدام در آن زمان ده‌ساله بود.

او وقتی اولین بار از خانواده‌اش جدا شد تا به‌صورت تمام‌وقت ورزش اسکیت را دنبال کند، هیچ پولی در جیب نداشت. برای رفع گرسنگی از سیب‌های مجانی باشگاه می‌خورد و در زیرمین خانه مربی‌اش می‌خوابید. اما بعد از مدتی، شرایطش بهبود یافت، در مسابقات قهرمان شد و مدال گرفت. آدام همیشه روی یخ با مهارت سُر می‌خورد، بالا می‌پرد و روی شست پا می‌چرخید. هیچ کس در این ورزش به پای او نمی‌رسید؛ انگار شکست‌ناپذیر بود.

اما سرانجام روزهای خوش او به پایان رسید. آدام در مسابقات کشوری هشتم شد که بسیار عالی بود اما با این نتیجه نمی‌توانست به مسابقات المپیک راه پیدا کند. او در یکی از جلسات تمرین هم به‌شدت زمین خورد و پایش شکست. تصمیم گرفت که از ورزش خداحافظی کند. اما یک روز که در تعطیلات بود و با دیگر اسکیت‌بازان تمرین می‌کرد به یاد آورد که چقدر این ورزش را دوست دارد. فهمید که هرگز نمی‌تواند این ورزش را رها کند.

آدام چند سال بعد همراه با تیم اسکیت مردان آمریکا به مسابقات المپیک راه یافت. او نخستین اسکیت‌بازی بود که در سن بالا در المپیک شرکت کرد. برای آدام متفاوت بودن در ورزش اسکیت مهم نیست. او تلاش می‌کند که کودکان را در سراسر دنیا تشویق کند تا این شجاعت را داشته باشند که خود را باور کنند و رؤیاهایشان را دنبال کنند.

آدام می‌گفت: «من مانند جادوگر هستم و شما نمی‌توانید من را بکشید! من هر سال برمی‌گردم و هر سال بهتر می‌شوم.»

آدام یک حرکت اسکیت دارد که به نام او معروف است: «پرش ریپون». این حرکت چگونه انجام می‌شود؟ سه پرش پشت سر هم به عقب و گرفتن دست‌ها بالای سر.

